جام جم
جام‌پلاس
JAMPLUS
۱۵
دوشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۲ شماره ۶۶۲۵

فؤاد ایزدی در گفت‌وگو با «جام‌پلاس» مطرح کرد

هراس آمریکا از قدرت اوراسیا



عکس: مجید آزاد - جام جم

امین صبحی
دبیر جام پلاس

اشاره: مناقشه فلسطینی‌ها و رژیم اسرائیل، طولانی‌ترین کشمکش در قرون اخیر است و بارزترین ویژگی این نبرد نابرابر اعمال زور و خشونت غیرقابل‌توجیه صهیونیست‌ها به صاحبان اصلی سرزمین قدس است. تلاقی یهودی‌ستیزی در اروپا، امپریالیسم انگلستان و اوجگیری جنبش صهیونیسم ازجمله عواملی است که باعث شد «آرتور بالفور» وزیر خارجه وقت انگلستان در نوامبر ۱۹۱۷ اقدام به صدور بیانیه‌ای کند که زمینه وقوع فاجعه‌ای را برای بشریت رقم زد که اثرات شوم آن همچنان در قرن بیستم دامنگیر ملت فلسطین و ملت‌های آزاده جهان است. بالفور در این بیانیه تاکید کرد دولت انگلیس تمام تلاش خود را خواهد کرد تا ایده تاسیس یک سرزمین برای یهودیان عملیاتی شود. این دستورالعمل، حضور یهودیان در سرزمین فلسطین را تسهیل کرده و زمینه مهاجرت قابل‌توجه یهودیان به فلسطین و ایجاد تاسیسات مختص به خودشان را فراهم کرد. این روند تا جایی پیش رفت که ساکنان سرزمین زیتون احساس خطر کرده و اقدام به مقابله با انگلیس و شبه‌نظامیان صهیونیست کردند؛ مبارزه‌ای که بیش از ۷۰ سال قدمت دارد و حالا رژیم غاصب صهیونیست با پشتیبانی آمریکا و دول استعمارگر غرب، خود را صاحبان اصلی قدس می‌دانند و سال‌هاست که عرصه را برای مردم فلسطین تنگ کرده‌اند. بهره‌مندی از منافع طبیعی منطقه غرب آسیا و حضور در این منطقه ژئوپلیتیک باعث شد که آمریکا تبدیل به یکی از هم‌پیمانان اصلی رژیم غاصب صهیونیستی شود تا جایی که حالا دیگر هیچ دولتی غیر از آمریکا که مرعوب لابی صهیونیست‌هاست، خود را مجاز به دفاع از اسرائیل و جنایت‌های روزافزون آنها نمی‌داند و حتی اروپایی‌ها که حیات رژیم اشغالگر را عاملی برای رسیدن به اهداف استعماری خود در خاورمیانه می‌دانستند هم از اسرائیل برائت جسته‌اند.

روندی که پس از وقوع عملیات طوفان‌الاقصی شدت گرفت و حالا کمتر دولتی است که بتواند با بهانه‌های واهی نظیر رسیدن به راه‌حل دو دولتی و حق اسرائیل برای دفاع از خود، به حمایت از اقدامات سبوعانه رژیم صهیونیستی بپردازد. تظاهرات گسترده مردم در اقصی نقاط جهان حکایت از نفرت و انزجار افکارعمومی از اسرائیل و حمایت همه‌جانبه آنها از ملت فلسطین دارد؛ اتفاقی که باعث تغییر عملکرد و سیاست دولتمردان اروپایی شده است که نتیجه آن در قطعنامه اخیر شورای امنیت سازمان ملل کاملا محرز بود. غول‌های رسانه‌ای غرب تاکنون با روایت وارونه اخبار سعی داشتند افکارعمومی جهان را از فلسطین منحرف کرده و گزارش‌ها و تصاویری از مظلوم‌نمایی و ظاهرحق به جانب اسرائیل را مخابره کنند؛ تلاشی که جعلی بودن آن در یک ماه گذشته به همگان ثابت و خوی واقعی و درنده صهیونیست‌ها در معرض دید جهانیان قرار گرفت.

این فرآیند باعث شده‌است که حتی سناتورهای آمریکایی نیز نسبت به حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از رژیم صهیونیستی هشدار داده و خواستار تغییر رویه و اتخاذ یک سیاست معقول در تعامل با رژیم غاصب باشند. بررسی این موضوع و تحلیل درخصوص اثرات عملیات طوفان‌الاقصی موضوعی است که در گفت‌وگوی جام‌پلاس با دکتر فؤاد ایزدی، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل آمریکا به آن پرداخته‌ایم. متن و فیلم کامل این گفت‌وگو در سایت جام‌جم‌آنلاین و حساب‌های جام‌پلاس در فضای مجازی قابل مشاهده است.

؟ با وجود فرود آمدن بمب‌های آمریکایی بر سر مردم بی‌گناه غزه، برای برخی‌ها هنوز شریک بودن آمریکا در جنایات اسرائیل مشهود نشده و به همین دلیل اولین سؤال را این‌طور مطرح می‌کنم. ما چه نشانه‌هایی از تلاش آمریکا برای ایجاد ناامنی و آشوب اغتشاش در جهان داریم. آیا آمریکا فقط به دنبال ایجاد ناامنی در آسیاست؟

حضور آمریکا در کمتر کشوری است که وجود نداشته باشد، آمریکا در حدود ۸۰۰ پایگاه در جاهای مختلف دنیا دارد و تاریخچه کودتای و اشغالگری آنها مشخص و طولانی است؛ آمریکا از ابتدای تاسیس، کشور اشغالگری بوده. آنها اروپایی‌هایی بودند که آمدند بومی‌های آن سرزمین را قتل‌عام یا آواره کردند که این تاریخ کشتار و اشغالگری همین‌طور ادامه پیدا کرده است... فیلیپین

سال‌ها مستعمره رسمی آمریکا بوده‌است و با توجه به این تعبیر آمریکا که ابرقدرتی آنها، حداقل بعد از جنگ جهانی دوم حالت بین‌المللی پیدا کرد، پس طبیعتا سبک اشغال و تجاوز نیز تغییر پیدا می‌کند چون بعد از جنگ جهانی دوم، دوره استعمار سنتی کم و بیش به سر آمد و آمریکایی‌ها با ابزارهای دیگری سعی می‌کنند به اهداف خود برسند. در همین راستا مسأله اشغال فلسطین و کلید زدن پروژه صهیونیسم یکی از جنایت‌هایی است که آمریکایی‌ها کردند. توجه به این نکته حائزاهمیت است زیرا برخی از افراد در کشور این‌گونه فکر می‌کنند که اگر ایران مشکلات خود را با اسرائیل رفع و رجوع کند، دیگر مسأله‌ای باقی نمی‌ماند و همه مشکلات حل می‌شود. اینها از تاریخ آمریکا و جنایت‌های آن غافل هستند زیرا حتی جاهایی که اسرائیل و لابی صهیونیستی حضوری نداشت، آمریکا به تنهایی جرم و جنایت زیادی را در حق ملت ایران روا داشته‌است و همین مسأله تنش بین ایران و اسرائیل و به تبع آن مشکلات جمهوری اسلامی ایران و آمریکا را بیشتر کرده‌است. البته اگر ماهیتی به‌عنوان اسرائیل هم وجود نداشت تعرض آمریکایی‌ها و چالش آمریکا با ایران کم و بیش سر جای خود بود. تاکید روی این گزاره مهم است، حتی اگر مشکلاتی که با اسرائیل وجود دارد، حل‌وفصل شود، نافی تداوم مشکلاتی که با آمریکا داریم نیست و به‌صورت جدی حل نخواهد شد.

؟ با توجه به عقبه‌ای که درخصوص جنایت‌های آمریکا بیان کردید، این عقبه و پیشینه باعث این تفکر حمایتی از اسرائیل می‌شود یا منافع دیگری در میان است؟ بحث دیگری هم درخصوص نوع تعامل آمریکا و اسرائیل وجود دارد؛ عده‌ای رژیم غاصب را فرمانده آمریکا و برخی صهیونیست‌ها را فرمانبردار سیاست‌های واشنگتن معرفی می‌کنند. ارزیابی حضرتعالی از نحوه تعامل آمریکا و اسرائیل چیست؟

نکته‌ای از بخش سئوال اولتان جا ماند که پرداختن به آن، موضوع مهمی است؛ برخورداری از سابقه مشترک تاریخی یکی از دلایل حمایت آمریکا از اسرائیل است؛ یعنی آمریکا توسط اروپایی‌ها تاسیس شد. آنها یک سرزمین را غصب کرده و ساکنان این سرزمین را کشتند یا آواره کردند. اسرائیل نیز همین روند را طی کرد دولت جعلی اسرائیل توسط اروپایی‌های صهیونیست تاسیس شد که سرزمین را غصب کردند و ساکنان آن سرزمین را کشتند یا آواره کردند. این شباهت تاریخی در تاسیس یک فرهنگ مشترک، نزدیکی فکری و یک میراث شبیه به هم را ایجاد کرده‌است به نحوی که وقتی آمریکایی‌ها به اسرائیل نگاه می‌کنند، خود را می‌بینند. ما مفهومی به نام استعمار شهرک‌نشین داریم که با استعمار سنتی متفاوت است. استعمار سنتی همان کاری است که انگلیس در هند کرد. کشوری مستعمره کشور دیگری شده و اموال و ثروتش غارت می‌شود اما در استعمار شهرک‌نشین، کشور سرزمین ماست، یکی از شباهت‌های آمریکا و اسرائیل است. اگر به متون صهیونیسم در قرن ۱۹ که استعمار چیز بدی نبود و امری معمول مشهور بود، مراجعه کنید متوجه می‌شوید آنها به‌صراحت می‌گفتند باید جایی را پیدا کرده و آنجا را استعمار کنیم. همین کار را هم کردند، فلسطین جایی بود که آنها تصمیم به استعمار آن گرفتند و از شیوه شهرک‌نشینی استفاده کردند.



در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل می‌بینید که حرف آمریکا تعیین‌کننده نبود یعنی آمریکا نتوانست بیشتر از ۱۲ کشور را به خط کند. هم پیمانان سنتی مثل فرانسه و انگلیس هم به آمریکا رای ندادند همه این موارد نشانه‌های افول آمریکا و خبر خوبی برای کشوری مثل ایران است.

نکته دیگر این که کدام کشور روی دیگری تاثیرگذار است؟ این سؤال زمانی صحیح است که تفکیکی بین آنها قائل باشید. واقعیت این است که نمی‌توان تفکیکی بین آمریکا و اسرائیل قائل شد. اینها یک بدنه در دو بخش از دنیا هستند لذا نمی‌توان به‌صورت دقیق به این سؤال پاسخ داد، چون شما با دو مجموعه طرف نیستید و طرف حساب شما یک مجموعه است. البته به این معنا نیست که اختلاف نظری بین آنها وجود ندارد. شما ممکن است با برادر خود هم اختلاف نظر داشته باشید. علاوه بر این، اختلاف نظر در بحث‌های سیاسی در درون دولت‌ها نیز وجود دارد و امری طبیعی است. منتها وضعیتی که بین آمریکا و اسرائیل برقرار بوده آنها را غیرقابل تفکیک کرده‌است. مثلا به یاد دارید زمانی‌که اوباما می‌خواست رئیس‌جمهور شود، عده‌ای در کشور خیلی علاقه‌مند به اوباما شدند و گفتند او مسلمان‌زاده است و باراک حسین اوباما می‌تواند بخشی از مشکلاتی را که برای ایران ایجاد شده، حل کند. وی در کتاب خاطرات خود نوشته وقتی به تحریم‌های ایران نگاه کردم، دیدم تحریم‌های زمان بوش پسر خیلی ضعیف است و این تحریم‌ها باید تقویت شوند. بعد چه کسی را مسئول پرونده ایران در دولت اول خود می‌کند؟ آقای دنیز رایس! حالا دنیز رایس کیست؟ فردی که در آمریکا متولد شده اما تابعیت اسرائیلی دارد و سال‌ها در اسرائیل زندگی و در ارتش اسرائیل خدمت کرده‌است. وی که ساکن تل‌آویو و رئیس پژوهشگاهی به نام انستیتوی یهود برای سیاست‌گذاری بود به واشنگتن می‌آید و مسئول پرونده ایران در دولت اول اوباما می‌شود حالا به نظرتان چه کسی روی بقیه تاثیر می‌گذارد؟ ماهیتا هم اسرائیلی و هم آمریکایی است. درک این نکته از این منظر خیلی مهم است. در طول تاریخ و در چند دهه گذشته عده‌ای به دنبال ایجاد اختلاف بین آمریکا و اسرائیل بودند و فکر می‌کردند این امکان‌پذیر است اما نتیجه‌ای نگرفتند، زیرا واقعیت‌های موجود در میدان را به‌درستی درک نمی‌کردند. این مسأله در حال حاضر نیز وجود دارد اما در حال تغییر است به این معنا که الان جریان چپی در حزب دموکرات داریم که منتقد سیاست‌های آقای بایدن هستند و همین امر نقش قابل ملاحظه‌ای در دگرگون شدن محیط آمریکا دارد و این تغییر برای ما و فلسطین مثبت است.

اردوغان در مقاطع مختلف مسیر خود را عوض می‌کند. مثلا چند ماه پیش رئیس‌جمهور اسرائیل را برادر خطاب می‌کرد و الان صحبت‌های تندی علیه او ایراد می‌کند. بنابراین آقای اردغان را نباید در این بحث‌ها خیلی جدی گرفت

در حال حاضر جریان‌هایی در آمریکا رشد می‌کنند که منتقد ارتباط ویژه آمریکا و اسرائیل هستند و همین تغییر می‌طلبد که ما هم در حوزه نرم‌افزاری فعال ظاهر شویم و بحث‌هایی را دنبال کنیم که اگر لازم دانستید در ادامه به آن می‌پردازیم.

؟ با این توضیحات تبیین بفرمایید ماموریت اسرائیل در منطقه و آسیا چیست؟ شما الان اسرائیل را به‌نوعی عضوی از آمریکا دانستید.

قابل تفکیک ندانستم. ارتش آمریکا در فلسطین است. تیم آمریکایی در این منطقه مستقر است. زمان که کم می‌آورند برای سر و سامان دادن به اوضاع، ژنرال آمریکایی معرفی می‌کنند کما این‌که به‌دلیل آشفتگی‌هایی که در نهادهای سیاسی، نظامی، اطلاعاتی ایجاد شد یک ژنرال آمریکایی را وارد صحنه کردند. عملیات طوفان الاقصی ساعت ۴ صبح شروع شد. اسناد منتشر شده نشان می‌دهد اولین جلسه‌ای که اسرائیلی‌ها برای بررسی بلایی که سرشان آمده‌بود، برگزار کردند مربوط به ساعت یک بعدازظهر می‌شود. اولین جلسه کابینه هم ساعت ۱۷ برگزار شد، بنابراین فاصله زیادی بین شروع عملیات و زمانی که خودشان را پیدا کنند، وجود دارد. وقتی آمریکایی‌ها دیدند مقامات اسرائیل چنین وضعیتی دارند، خودشان به میدان آمدند و این دلیلی بر این مدعاست که قابل تفکیک نیستند. این‌طور نیست که این کار را برای کشور دیگری انجام دهند بلکه خود آنها هستند. منتها دیدند مسئولانی که آنجا هستند، نمی‌توانند خودشان را مدیریت کنند.

؟ ماموریت اسرائیل را در منطقه چه می‌دانید؟

غرب آسیا منطقه مهمی است. سندی را که مطرح می‌کنم مربوط به ۳ اکتبر، یعنی سه هفته پیش است. مرکز پژوهش‌های کنگره، نهادی شبیه مرکز پژوهش‌های مجلس ماست که از بودجه و امکانات بیشتری برخوردارند، متنی را تایید کرده‌اند که مربوط به رقابت بین قدرت‌های بزرگ می‌شود. چند تا جمله در این متن وجود دارد که خیلی جالب است. می‌گوید سیاست آمریکا در دهه‌های گذشته این بود که هیچ قدرتی در منطقه اوراسیا شکل نگیرد که بتواند با تحریم‌های گسترده، حمایت از صدام و ... همگی حکایت از این دارد که آمریکایی‌ها همواره برای کشور ما دردسر بودند، هستند و مدام برای‌مان مشکل ایجاد کرده‌اند و این جنایت‌ها توسط محور آمریکایی-اسرائیلی شکل گرفته‌است و آمریکا خیلی از کارهای خود را از طریق اسرائیل انجام می‌دهد. آیا اگر کوتاه بیاییم و لیستی از کارهایی که آمریکایی‌ها را ناراحت می‌کند درست کنیم و آنها را انجام ندهیم و تیک بزنیم آیا این دشمنی تغییر می‌کند؟ این کار را کردیم و مشکل حل نشد.



؟ با توجه به عملیات طوفان‌الاقصی، به عقیده شما چه سرنوشتی در انتظار طرح عادی‌سازی است؟

عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل قبل از عملیات طوفان‌الاقصی خیلی نزدیک به نظر می‌رسید. این طرح در حال شکل‌گیری بود که عملیات طوفان‌الاقصی انجام شد و الان با توجه به این‌که نزدیک به ۱۰هزار نفر شهید شده‌اند شرایط برای عربستان سخت شده و مشکلاتی را بر سر عادی‌سازی روابط ایجاد کرده‌است. البته اصل داستان به قوت خود باقی است چون نیازهای عربستان و بحث عادی‌سازی سر جای خودش است و به این بستگی دارد که جنایت‌های اسرائیلی‌ها چقدر طول بکشد و چه اتفاقی بعد از این جنایت‌ها رخ دهد.

؟ نقش و سهم ایران در روند افول آمریکا و نظم نوینی که شکل می‌گیرد، چقدر است؟

مثال‌هایی که خدمت شما بیان کردم، متعلق به ایران بود و دلالت بر این دارد که آمریکایی‌ها نتوانستند در عراق، سوریه، لبنان، یمن و... به نتیجه دلخواه‌شان برسند. اگر شهید قاسم سلیمانی و فرماندهی‌وی نبود، قطعا آمریکایی‌هایی مثل گذشته به‌راحتی می‌توانستند به اهدافی که دارند برسند اما ایران این اجازه را به آمریکا نداد. کشورهای دیگر دیدند آمریکایی‌ها از نظر تسلیحات نظامی و نیرو، سرمایه‌گذاری تریلیون دلاری کرده‌اند اما در یک مورد هم به اهداف خود نرسیدند. ازجمله در خود ایران! ۴۰ سال است که تلاش می‌کنند تا نظام جمهوری اسلامی ایران را زمین بزنند و نمی‌توانند. بنابراین کشورهایی مثل روسیه و چین هم نگاه کردند و گفتند ظاهرا آمریکا کشور جدی نیست، چراکه این همه هزینه می‌کند اما در میدان عمل به هیچ دستاوردی نرسیده‌است، پس شاید بتوان مقاومت کرد. یک زمانی محور مقاومت شامل جمهوری اسلامی ایران، حزب‌ا... و انصارا... می‌شد که در مقابل استکبار که در راس آنها آمریکا بود، ایستاده‌بودیم اما الان روس‌ها و چینی‌ها هم متوجه شده‌اند که می‌توانند این کار را انجام بدهند و به آمریکا نه می‌گویند. آمریکا پیشتر ایران، سوریه و کره‌شمالی را محور شرارت معرفی می‌کرد اما الان می‌گوید ایران، چین و روسیه محورت شرارت هستند.

؟ ترکیه ابتدا به سمت رژیم صهیونیستی چرخش داشت اما در روزهای اخیر روش خود را عوض کرده‌است. تحلیل شما در این خصوص چیست؟ و سؤال بعد این‌که عده‌ای می‌گویند آرمان فلسطین چه ربطی به ما دارد و چرا باید در این خصوص دغدغه‌مند و نگران باشیم. ارزیابی شما چیست؟

این موضوع، سابقه‌دار است. شما به عملکرد آقای اردوغان در مقاطع مختلف نگاه کنید، مسیر خود را هر چند هفته یک‌بار عوض می‌کند. مثلا چند ماه پیش رئیس‌جمهور اسرائیل را برادر خطاب می‌کرد و الان صحبت‌های تندی علیه او ایراد می‌کند. بنابراین آقای اردغان را نباید در این بحث‌ها خیلی جدی گرفت. درخصوص سؤال دوم‌تان باید بگویم تاریخ روابط ایران و آمریکا را نگاه کنید، تعرض از سوی آمریکا به سمت ما بوده‌است یا برعکس؟ ما در آمریکا کودتا کردیم یا آمریکایی‌ها در ایران کودتا کردند؟ حمایت‌هایی که آمریکا از شاه داشته‌است، دشمنی آشکارشان با جمهوری اسلامی، آمریکا رقابت کند. اوراسیا از قسمت‌های غربی چین تا منطقه ما را دربرمی‌گیرد و از شمال هم به اروپای شرقی می‌رسد. چرا آمریکایی‌ها نمی‌خواهند قدرتی در اینجا شکل گیرد؟ متن در این خصوص توضیح می‌دهد و می‌گوید ثروت دنیا در این منطقه است و اکثریت مردم دنیا در این منطقه زندگی می‌کنند. پس چون ثروت و جمعیت دنیا اینجاست نباید قدرتی در این منطقه شکل بگیرد و چالشی را برای آمریکا ایجاد کند. جمله بعدی این است که کشورهای این منطقه قادر نیستند مانع رشد یک قدرت شوند، پس لازم است که آمریکا بیاید و این کار را انجام دهد. جمله بعدی این است که رویکرد و سیاست آمریکا در چند دهه گذشته همین بوده‌است اما مقامات آمریکایی به این مسأله اذعان نمی‌کنند. پس برای تسلط بر منطقه اوراسیا نیازمند احداث پایگاه و حضور در این منطقه هستند و هم‌پیمانی و انعقاد قرارداد با شاه که ممکن است فردا و پس‌فردا به دلیل انقلاب از کشور اخراج شود، کافی نیست. این کارکرد سنتی رژیم صهیونیستی بوده‌است.

؟ به عنوان دروازه‌ای برای ورود به منطقه بود؟

به نظرم هزینه‌ای که الان رژیم صهیونیستی برای آمریکا ایجاد می‌کند بیشتر از منفعتش است، منتهی این تعامل فعلا به دلایل متعدد ادامه دارد. یکی از دلایل همان سابقه تاریخی مشترک است که به آن اشاره کردم، البته حمایت دولت بایدن از صهیونیست‌ها متفاوت است. چراکه خود بایدن با افتخار می‌گوید من صهیونیست هستم بایدن مدام می‌گوید: «اگر اسرائیلی وجود نداشت باید آن را تاسیس می‌کردیم» به خاطر منافعی که در ذهن خود دارد به وجود کشوری مثل اسرائیل اعتقاد دارد. این جمله را دو هفته پیش که به اسرائیل رفت مجددا تکرار کرد. پس بایدن نگاه ویژه‌ای به اسرائیل دارد. علاوه بر این کابینه آقای بایدن به‌واسطه تعداد صهیونیست‌هایی که در کابینه هستند، رکورد زده‌است.

برای دیدن فیلم مصاحبه کیوآرکد را اسکن کنید

برای مشاهده گزارش تصویری کیوآرکد را اسکن کنید

برای خواندن متن کامل کیوآرکد را اسکن کنید